



Room to Read®

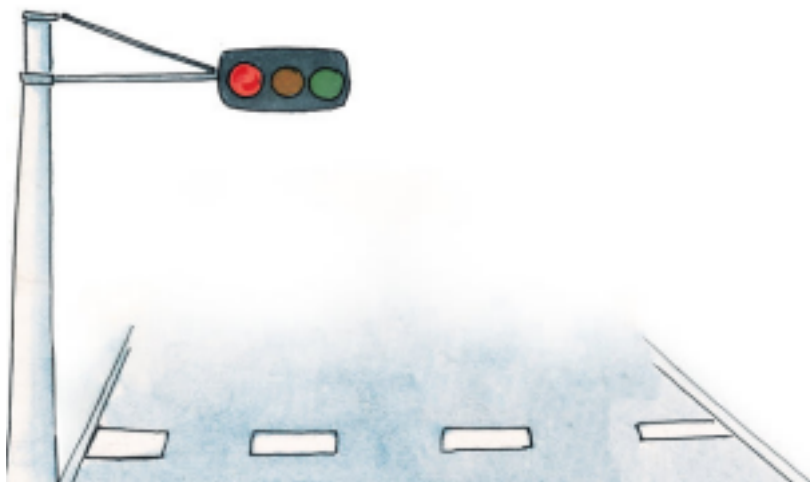
## رابعه به شهر می رود

نویسنده: شانون دیوید

نگارگر: ژوپیترا پرادهن

برگرداننده به فارسی: کتابخانه درخت دانش

برگردان به فارسی: ناصر هوتکی



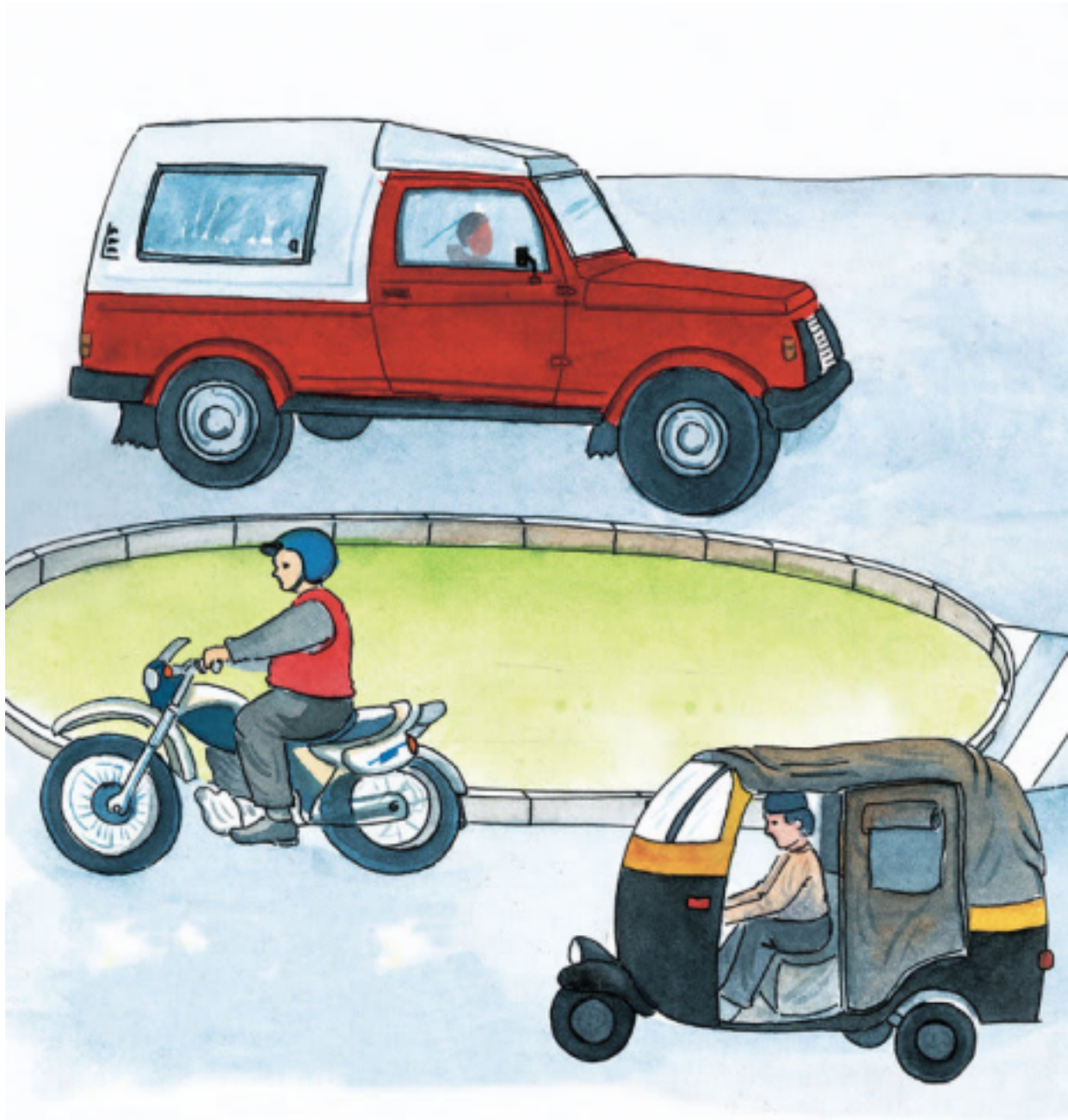
در یک روستا دختر کوچکی به نام رابعه زنده گی می کرد. روزی پدر رابعه میخواست که برای کار به شهر برود. رابعه که تا آن وقت از روستا بیرون نرفته بود، از پدرش خواست که آیا می تواند با او به شهر برود. پدر رابعه گفت، "اگر بیایی، اوقات ما خوشتر خواهد گذشت."



رابعه و پدرش سوار بس شدند و پس از چند ساعت به شهر رسیدند.



رابعه غرق تماشای موترها شده بود. پدر رابعه درباره چراغ‌های ترافیکی به او معلومات داد و گفت که چراغ سرخ، نشانه توقف، چراغ سبز نشانه حرکت و چراغ زرد یک هشدار است که چراغ سرخ به زودی روشن می‌شود.



رابعه دید که موتر جیپ چار تایر، موترسایکل دو تایر و ریکشاسه تایر دارند.





او یک موٹر باربری بزرگ و یک بایسکل کوچک را دید.



رابعه همچنان یک تراکتور سرخ، یک مینی‌بس سفید و یک ریکشای سبز را دید.

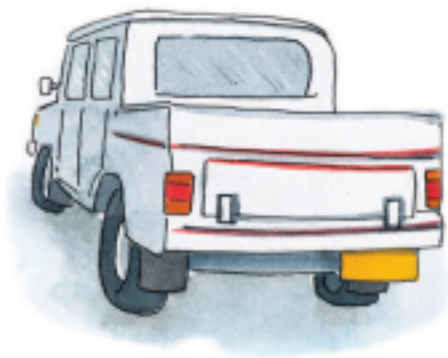


یک سرویس مکتب که رنگ زرد داشت، یک موتر آبی پولیس، و یک موتر سیاه.  
"رابعه پرسید، "پدر، این موترها از کی است؟"

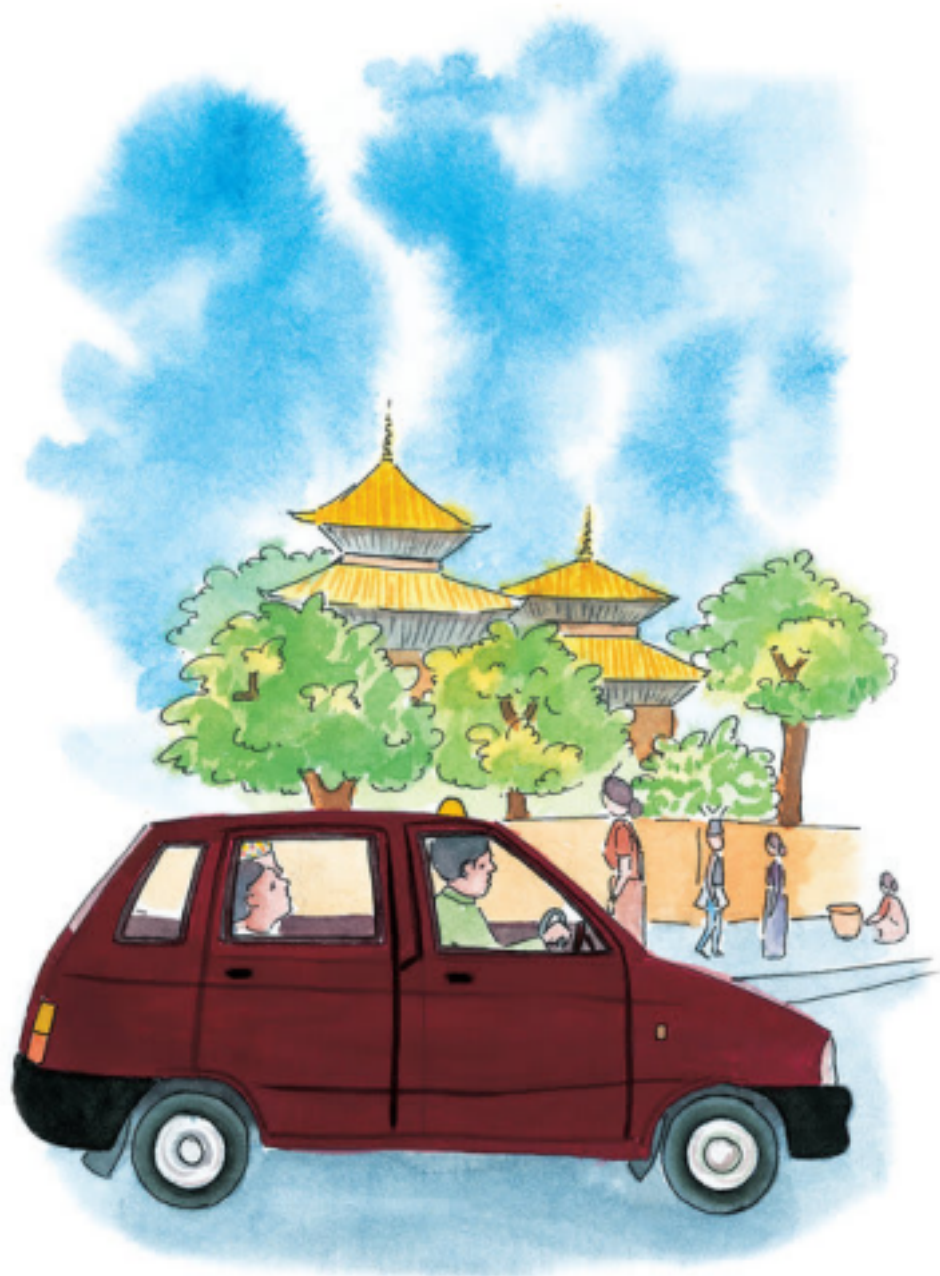




پدرش پاسخ داد، "در نیپال، شماره‌های سفید روی صفحه سرخ برای موترهای شخصی استفاده می‌شوند. شماره‌های سرخ روی صفحه سفید برای موترهای دولتی استفاده می‌شوند." "



شماره‌های سفید روی صفحه سیاه برای موترهای خدمات عامه استفاده می‌شوند و شماره‌های  
آبی روی صفحه زرد برای موترهای شرکت‌ها و شورای شهر استفاده می‌شوند.



آن‌ها موترهای شخصی و باربری و بس‌های زیادی دیدند. پدر رابعه گفت، "بیا که تکسی بگیریم  
و با شهر بیشتر آشنا شویم."



هنگامی که سوار تکسی شدند، موتر آتش‌نشانی با صدای بلند از کنار شان رد شد. به تعقیب آن یک امبولانس روان بود.





امبولانس، بیماران و آسیب‌دیده‌گان را با سرعت به شفاخانه می‌رساند. سایر موترها در کنار جاده توقف می‌کنند و زمینه رد شدن سریع را به امبولانس فراهم می‌کنند. وقتی که امبولانس از کنار آنها رد شد، پدر رابعه گفت، "امیدوارم که به خیر و به سلامتی برسند."



روز بعد آن‌ها به یک نمایش‌گاه رفتند. رابعه نخست قایقرانی کرد و سپس سوار قطار بازی شد.



پدر رابعه، سپس او را به یک میدان هوایی برد. او دید که چگونه طیاره‌ها و هلی‌کوپترها پرواز می‌کنند.



هنگام برگشت، رابعه جرثقیل وس بولدوزرها را روی جاده دید. پدرش گفت، "بلدوزرها برای ساخت جاده‌ها و تراکتورها برای ساخت خانه‌ها و ساختمان‌ها و پل‌ها استفاده می‌شوند."





صبح روز بعد، رابعه با پدرش سوار ریکشا شدند و به سوی ایستگاه بس هایی که به روستای شان می‌روند، حرکت کردند. رابعه از سوار شدن به ریکشا بسیار لذت برد.



رابعه در راه به این فکر می کرد که وقتی به روستا برگشت، در باره شهر و موتزهایی که دیده بود، به دوستانش قصه کند. رابعه خوش و خوش حال بود.

# storyweaver

PRATHAM BOOKS

This book was made possible by Pratham Books' StoryWeaver platform. Content under Creative Commons licenses can be downloaded, translated and can even be used to create new stories - provided you give appropriate credit, and indicate if changes were made. To know more about this, and the full terms of use and attribution, please visit the following link . Story Attribution: This story: Rama Goes to Town is translated by Shannon David. The © for this translation lies with Room to Read, 2004. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Based on Original story: 'रमा दङ्ग परन्', by Shilpi Pradhan. © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Other Credits: This story 'Rama Goes to Town' has been published on StoryWeaver by Room to Read. Images Attributions: Cover page: A girl on a cycle rickshaw, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 2: A girl helping a man, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 3: Traffic lights, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 4: A girl and a man at a bus stand, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 5: A girl and a man at a traffic junction, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 6: A jeep, auto and a motorbike, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 7: A truck and a bicycle, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 8: A tractor, van and tempo, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 9: A bus, police car and car, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 11: A

blue car and a red car, by Jupiter Pradhan © Room to Read, 2007. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Disclaimer: [https://www.storyweaver.org.in/terms\\_and\\_conditions](https://www.storyweaver.org.in/terms_and_conditions)



Some rights reserved. This book is CC -BY-4.0 licensed. You can copy, modify, distribute and perform the work, even for commercial purposes, all without asking permission. For full terms of use and attribution, <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

\

### رابعه به شهر می‌رود (فارسی)

رابعه به شهر می‌رود، قصه یک دخترک نوجوان است که از روستای شان با پدرش برای بار نخست به شهر می‌رود. او گفتنی‌های زیادی در مورد شهر دارد. سطح خوانش این کتاب ۲ است و برای کودکانی در نظر گرفته شده است که واژه‌های آشنا را می‌توانند شناسایی کنند و واژه‌های جدید را با کمک دیگران بخوانند.

Pratham Books goes digital to weave a whole new chapter in the realm of multilingual children's stories. Knitting together children, authors, illustrators and publishers. Folding in teachers, and translators. To create a rich fabric of openly licensed multilingual stories for the children of India and the world. Our unique online platform, StoryWeaver, is a playground where children, parents, teachers and librarians can get creative. Come, start weaving today, and help us get a book in every child's hand!